

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۲۳-۴۱

بازشناسی نقش کالبد خانه‌های تاریخی اصفهان در ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنان، با تکیه بر تجربه زیسته افراد^۱

پژمان ناظری نائینی^۱، مریم قاسمی سیجانی^{۲*}، محسن افشاری^۴، نرگس کشتی آرای^۵

چکیده: همگرایی اجتماعی و ایجاد شرایط مناسب در جهت ایجاد آن، از ضروریات معماری مسکونی است، خصوصاً در شرایطی که عمده بناهای مسکونی معماری معاصر، قادر به ایجاد موقعیت‌های ممتاز، جهت برقراری تعاملات اجتماعی مناسب نمی‌باشند. به بیان دیگر، این وظیفه در خانه‌ها و مجموعه‌های زیستی شهرهای امروز، حس و حال ویژه خود را از دست داده‌اند. در این راستا به نظر می‌رسد خانه‌های تاریخی با بهره‌گیری از مواردی نظیر قابلیت‌های کالبدی خود، شرایط مورد نیاز برای برقراری تعاملات اجتماعی را به گونه‌ای مناسب مهیا می‌کرده‌اند. لذا سؤال پژوهش حاضر این است که عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی کدام‌اند؟ و کدام یک از این عوامل در این خصوص مؤثرترند؟ در این راستا، هدف تحقیق حاضر آن است تا با بررسی تعدادی از خانه‌های تاریخی شهر اصفهان، با استفاده از روش تحقیقی داده بنیاد کلاسیک و با بهره‌گیری از نظریات افرادی که سابقه زیسته در این خانه‌ها را دارند، عوامل کالبدی مؤثر بر قابلیت بالای تعاملات اجتماعی در این خانه‌ها را شناسایی کند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، عوامل کالبدی خانه‌های تاریخی شهر اصفهان، به شیوه‌های مختلف در ارتقای تعاملات اجتماعی در این خانه‌ها مؤثرند که همه آن‌ها در یک نکته با یکدیگر مشترک‌اند و آن «قابلیت کلی محیط در پاسخ‌دهی به نیازهای جسمی و روانی انسان» هست. ضمن آن که در یک تقسیم‌بندی کلی، این عوامل، در سه دسته بعد قابلیت بصری، بعد قابلیت فعالیتی و بعد قابلیت حسی- ادراکی قابل تقسیم می‌باشند.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، کالبد، خانه‌های تاریخی اصفهان، تجربه زیسته

^۱ مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بازشناسی عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی اصفهان با تکیه بر تجربه زیسته افراد» می‌باشد که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) در سال ۱۴۰۲ در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^۳ *دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول:

mghasemi@khuif.ac.ir

^۴ استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۵ دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، روانشناسی و زبان‌های خارجی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

مطالعه آرای نظریه‌پردازان و یک برآورد کلی از وضعیت امروز معماری نشان‌دهنده این امر است که معماری معاصر دچار برخی ایرادات شده است. دلیل این امر می‌تواند توجه بیش‌ازاندازه به بازده اقتصادی و یا عدم توجه به مسائل مختلف فرهنگی-اجتماعی و بسیاری دیگر باشد.

لذا به نظر می‌رسد توجه به عوامل مؤثر در کیفیت محیط مصنوع، خصوصاً در شرایطی که تأثیر محیط به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر رفتار و روحیات انسان مورد تأکید بسیاری از نظریه‌پردازان مانند راپوپورت^۱ (۱۳۸۴)، گیدنز^۲ (۱۳۸۰) و لنگک^۳ (۱۳۸۸) قرار گرفته است، می‌تواند ارتقاء دهنده سطح زندگی انسان‌ها باشد. ضرورت این امر، خصوصاً در مورد خانه‌ها به دلیل آنکه زمان زیادی از زندگی انسان‌ها در آن‌ها سپری می‌شود، حیاتی‌تر به نظر می‌رسد.

در این خصوص یکی از موارد اساسی که به نظر می‌رسد در معماری خانه‌های معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بحث تعاملات اجتماعی میان انسان‌ها بوده که ثمره آن، پیش بردن انسان به سمت انزوا و ایجاد مشکلات عدیده‌ای نظیر جدایی فرد از خانواده و جدایی خانواده از اجتماع است (پور دیهیمی، ۱۳۸۲، ۳۸). ساخت‌وسازهای انبوه و طراحی‌هایی که خصلت‌های انسانی در آن نادیده گرفته می‌شوند، به‌جای همگرایی اجتماعی، پراکندگی انسان‌ها را در پی دارند. در این میان، برخی پژوهشگران معتقدند که خانه‌های تاریخی ایران، شرایط مساعدی را برای شکل‌گیری زندگی اجتماعی مهیا می‌کرده‌اند و محیطی متناسب با نیازهای فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها پدید می‌آورده‌اند. در این خانه‌ها، بعضاً چند خانواده در کنار هم زندگی می‌کرده‌اند و شرایط این خانه‌ها به نحوی بوده است که قابلیت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی مناسب را مهیا می‌کرده است. ساکنان به دلایلی از جمله استفاده از فضاهای مشترک و تقسیم کار در خانه، به‌طور مرتب باهم در ارتباط بوده و از

احوال هم باخبر می‌شده‌اند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که در این خانه‌ها، به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان احترام گذاشته می‌شده و محیط به گونه‌ای شکل می‌گرفته که انسان‌ها در آن احساس راحتی داشته باشند (بمانیان و امینی، ۱۳۹۶، ۷۱؛ ارژمند و خانی، ۱۳۹۱، ۳۱).

لذا پژوهش حاضر در پی آن است تا به سنجش قابلیت‌های کالبدی این خانه‌ها در زمینه ارتقای تعاملات اجتماعی، با استفاده از تجربه زیسته افرادی که سال‌ها در این خانه‌ها زندگی کرده‌اند بپردازد و قابلیت‌های این خانه‌ها را در زمینه ایجاد تعاملات اجتماعی بسنجد.

در این راستا پژوهش اخیر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱- عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی خانه‌های تاریخی شهر اصفهان، بر مبنای تجربه زیسته کسانی که سابقه زندگی در آن‌ها را داشته‌اند، کدام‌اند؟

۲- بر مبنای دیدگاه کسانی که در خانه‌های تاریخی شهر اصفهان زیسته‌اند، کدام مؤلفه‌های کالبدی، بیشترین نقش را در برقراری تعاملات اجتماعی، بر عهده داشته‌اند؟

۲- پیشینه پژوهش

ادبیات حاکم بر مطالعات انسان و محیط نشان می‌دهد که چگونگی برقراری تعاملات اجتماعی در همه عرصه‌های محیط انسان‌ساخت، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در همین راستا، مطالعه سازمان‌یافته‌ای توسط نظریه‌پردازان معماری همچون هیلیر و هانسون^۴ (۱۹۸۴) صورت گرفته است که به بررسی رابطه میان فضای کالبدی و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. در این مطالعه، آنان رابطه متقابل الگوهای فضایی و الگوهای رفتاری را مورد بررسی قرار می‌دهند و معتقدند که روابط فضایی در یک ساختمان به‌صورت اتفافی سازمان‌یافته‌اند بلکه متأثر از روابط و تعاملات کاربران می‌باشند. الکساندر^۵ و همکاران (۱۹۶۸) نیز شناخت و معرفی

^۴ Hillier & Hanson

^۵ Alexander

^۱ Rapoport

^۲ Giddens

^۳ Long

افراد می‌دانند. همچنین پنگ و همکاران^۸ (۲۰۲۱)، راحتی در فضای باز و توجه به آسایش فردی را به‌عنوان یک متغیر اساسی، در سنجش میزان تعاملات اجتماعی افراد، در محیط و معماری، برآورد می‌کنند. تحقیقات عسکری‌زاد و صفری^۹ (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد که چگونه تعاملات اجتماعی، به طرز محسوسی، از کیفیت محیط ساخته‌شده متأثر می‌شود. در این راستا سلطانی و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر تراکم بر شاخص‌هایی نظیر، تعاملات اجتماعی، احساس مکان و امنیت می‌پردازند و نتیجه تحقیق آن‌ها بیانگر ارتباط قوی بین داشتن امنیت، حس مکان و تعامل اجتماعی است. در این راستا، موندیون^{۱۱} (۲۰۲۲) معتقد است شکل فیزیکی فضا، سازمان‌دهی فضا و تعاملات درون آن، باعث ظهور احساسات خاص می‌شود که امکان برخوردهای خاص و احساسات هم‌زمان را فراهم می‌آورد. شریفیان و همکاران (۱۴۰۰) نیز عواملی همچون مبلمان و ایجاد شرایط آسایش و آرامش و فراهم کردن آسایش فیزیولوژیکی و ایجاد امنیت و حس قلمرو و فراهم کردن امکان مجاورت چهره به چهره را از عوامل مؤثر در ایجاد اجتماع‌پذیری فضا عنوان می‌کنند.

آزودو و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۰)، نیز تشویق دانش‌آموزان به تعامل اجتماعی و ارتباط تنگاتنگی میان افراد را باعث تأثیرات متقابل میان افراد می‌دانند که موجب می‌شود دانش‌آموزان به افرادی منصف، دموکرات و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند که پویایی بیشتری خواهند داشت.

پوترا و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۱)، نیز به بررسی ارتباط بین کیفیت فضای سبز و تعاملات اجتماعی در میان کودکان و تأثیر آن بر سلامت روان کودکان می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که کیفیت فضای سبز می‌تواند بر میزان تعاملات اجتماعی بین کودکان تأثیرگذار باشد و به‌نوبه خود، به‌طور بالقوه، رشد رفتار اجتماعی را در میان آنان تقویت کند. در

ویژگی‌های کالبدی فضای جمعی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در ایجاد تعاملات اجتماعی و ارتقای اجتماع‌پذیری فضا مورد توجه قرار می‌دهد.

همچنین پل^۱ (۲۰۰۲)، اهمیت اجتماع‌پذیری فضا را به حدی می‌داند که باعث می‌شود بسیاری از نظریه‌پردازان روی تأثیر آن بر دل‌بستگی به مکان زندگی نیز تأکید ورزند. جان لنگ^۲ (۱۳۸۶)، نیز در تحقیقات خود به موضوع الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های محیط ساخته‌شده اشاره می‌کند. او این مسئله را از آن جهت حائز اهمیت می‌داند که تعامل اجتماعی و دل‌بستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته‌شده رابطه تنگاتنگی دارد. سنت^۳ (۱۹۷۴)، نیز در تحقیقات خود دریافت که حیات جمعی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است. در حقیقت دیدگاه مطرح‌شده توسط او، محاسن ایجاد محیط‌های جمعی و ارتقای تعاملات اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

همچنین از نظر کرسیل^۴ (۲۰۲۱)، مسکن بخش مهمی از معماری را تشکیل می‌دهد و از جمله نگرش‌های مهم در این حوزه، در نظر گرفتن مسائل اجتماعی در آن است. از نظر او، مسکن مشترک به‌عنوان یک الگوی تأثیرگذار در تحقق مسائل اجتماعی به نظر می‌رسد که روابط اجتماعی مثبت و انسجام اجتماعی را تشویق می‌کند. زینکن و کیسر^۵ (۲۰۲۰)، نیز معتقدند، تعاملات اجتماعی در معماری، بر شکوفایی خلاقیت جمعی تأثیر می‌گذارد و افراد را انعطاف‌پذیرتر می‌کند. در این راستا، ژانگ و همکاران^۶ (۲۰۲۲)، نیز تنوع فضایی، ایجاد حس ایمنی و راحتی را به‌عنوان مهم‌ترین دلایل ایجاد سرزندگی و مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌دانند. عابد و الجوخدر^۷ (۲۰۲۲)، نیز وجود فضاهای مشترک را فرصت مغتنمی برای پیوند و تعاملات اجتماعی

⁸ Peng et al.

⁹ Askarizad & Safari

¹⁰ Soltani et al.

¹¹ Mondion

¹² Azevedo et al.

¹³ Putra et al.

¹ Pol

² Lang

³ Sennett

⁴ Cersil

⁵ Zinken & Kaiser

⁶ Zhang et al.

⁷ Abed & Al jokhadar

ویژگی‌های فیزیکی محیط ساخته‌شده، برای تقویت تعامل اجتماعی تأکید دارد و فضاهای جمعی، مانند فضای روبروی ورودی اصلی خانه‌های تاریخی را به دلیل قابلیت‌های کالبدی، دارای بیشترین میزان تعاملات اجتماعی منظم بین ساکنان می‌داند. در این راستا، پژوهش‌های محققین داخلی (جدول شماره ۱)، حاکی از آن است که معماری تاریخی ایران، قابلیت‌های ویژه‌ای در پاسخ‌گویی به مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی، نظیر تعاملات میان فردی داشته است.

این راستا، لی و وو^۱ (۲۰۲۲)، نیز بهبود تعامل اجتماعی را از جمله موارد مؤثر برای بهبود سلامت روان سالمندان و دستیابی به پیری موفق می‌دانند. همچنین المنصور^۲ (۲۰۲۱)، ضمن بررسی مشکلات اجتماعی شهری بصره، به مشکل کاهش تعامل اجتماعی چهره به چهره و اعتماد اجتماعی در میان ساکنان اشاره می‌کند و برای بهبود پایداری اجتماعی، تجزیه و تحلیل جامع عواملی را پیشنهاد می‌دهد که بر تعامل اجتماعی بین ساکنان تأثیر می‌گذارد. وی خصوصاً بر شناخت

جدول ۱. نقش تعاملات اجتماعی در معماری تاریخی ایران (از دیدگاه پژوهشگران ایرانی)

پژوهشگر	مسئله مطرح‌شده	موضوع مورد اهمیت
ارژمند و خانی (۱۳۹۱)	در معماری گذشته، نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هموعان، حفظ حریم‌ها و نیاز به خلوت، در جای خود به‌خوبی پاسخ می‌گرفتند. در معماری تاریخی، تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی، همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مدنظر بوده است.	رابطه تنگاتنگ معماری تاریخی و تعاملات اجتماعی
بمانیان و امینی (۱۳۹۶)	در معماری تاریخی ایران، نیازهای اعتقادی و اجتماعی، به‌کمال مورد توجه قرار می‌گرفته است و عناصر و فضای لازم برای رفع این نیازها با ساماندهی و رعایت سلسله‌مراتب فضا در رعایت حریم و خلوت و تأمین ارتباطات اجتماعی به شکلی شایسته سامان می‌یافت. در حقیقت خانه ایرانی، به‌عنوان بعدی از زندگی اجتماعی انسان‌ها با سایر ابعاد زندگی انسان در کنش و ارتباط متقابل بوده است. معماری تاریخی بیان می‌کند که چگونه می‌توان علاوه بر حفظ حریم خصوصی و خلوت در یک محل، روابط اجتماعی را بدون ایجاد کمترین مزاحمتی تأمین نمود.	رابطه تنگاتنگ معماری تاریخی و تعاملات اجتماعی
فانندی (۱۳۹۳)	در حقیقت ساختار خانه از ابتدا با عملکردهای متناسب با نیازهای فرهنگی - اجتماعی خانواده‌ها تجسم می‌یافت. فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی در فضای جمعی محیط‌های مسکونی، محتوای آن را شکل می‌دهد. در گذشته تعامل و همبستگی اجتماعی از مهم‌ترین خصوصیات بود که در جوامع سنتی و محلات آن دیده می‌شد و به لحاظ کارکردی نیز در هر سه حوزه عمومی، گروهی و خصوصی به‌وضوح قابل‌تعریف بود.	رابطه تنگاتنگ معماری تاریخی و تعاملات اجتماعی
نقره‌کار و همکاران (۱۳۹۳)	معماری سنتی ایران بر مبنای یک طراحی تطبیقی‌پذیر انجام می‌پذیرفته است. (یک طرح تطبیقی‌پذیر، طرحی است که بدون نیاز به تغییرات کالبدی، الگوهای جاری رفتاری را در زمان‌های متفاوت تأمین کند (لنگ ۱۳۸۶))	رابطه تنگاتنگ معماری تاریخی و تعاملات اجتماعی

بیان راهکارهایی عملی مشاهده می‌شود. خصوصاً در زمینه معماری تاریخی ایران، معدود مطالعات انجام‌شده در پیرامون مسئله تعاملات اجتماعی، به دلیل کلی‌نگری و عدم توجه به جزئیات و نیازها و ادراکات ساکنان، توفیق کمتری به دست آورده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی و نهایی از مجموع مطالب بیان‌شده در این بخش می‌توان عنوان کرد که تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته داخلی و خارجی، طیف متنوعی از عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی را بیان می‌کنند و هر یک، بر مبنای نوع دیدگاه و شیوه پژوهش، از زاویه ویژه‌ای به این قضیه نگریسته‌اند. هرچند که در این بررسی‌ها، کمتر نشانی از

² Almansoor

¹ Li & wu

۳- روش تحقیق

تحقیق پیش‌رو، از نظر نوع پژوهش‌های کیفی است و با استفاده از روش «داده بنیاد کلاسیک»^۱ انجام می‌شود. نحوه تحلیل آن به صورت مفهومی بوده و از مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار و مشاهده برای کشف دغدغه اصلی مشارکت‌کنندگان پیرامون موضوع اصلی پژوهش و ظهور مقوله مرکزی استفاده می‌شود.

در این راستا، ضمن تحلیل و کدگذاری یافته‌ها، به مقولات و مفاهیم مرتبط با مقوله مرکزی پی برده می‌شود و در انتها، نظریه‌ای ایجاد خواهد شد که به الگوهای پنهان رفتارهای اجتماعی اشاره می‌کند.

حوزه مطالعاتی این پژوهش نیز از میان خانه‌های تاریخی شهر اصفهان^۲ است و شرکت‌کنندگان در پژوهش، شامل افرادی هستند که دوره‌ای نسبتاً طولانی از زندگی خویش را در این خانه‌ها زندگی کرده باشند. انتخاب این افراد به این جهت است که تجربه زیسته در چنین فضاهایی را دارند و از طرفی با درک نارسایی‌های بناهای معاصر اخذ نظرات آنان، متأثر از شرایط زندگی در این خانه‌ها، می‌تواند در جهت تکمیل مطالعات این پژوهش، مفید واقع شود.

۴- چارچوب نظری پژوهش

در این راستا هدف اصلی پژوهش با توجه به (نمودار شماره ۱) و در یک تعریف کلی، می‌توان تعاملات اجتماعی را عملی دانست که از شخصی سر بزند و با پاسخی از سوی فرد

دیگر همراه باشد. این رابطه متقابل اجتماعی که برای پاسخ به نیازهای انسان و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است، به ایجاد زمینه‌های اجتماعی و اجتماع‌پذیری و رشد فردی انسان کمک می‌کند (لنگ، ۱۳۸۶، ۱۷). همچنین تعاملات اجتماعی را می‌توان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی دانست که به همکاری منتهی می‌گردند (فوکویاما و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۱۳) و نیز آنکه، می‌توان عنوان کرد، روابط یا تعاملات اجتماعی، اشاره به مجموعه وسیعی از ارتباطات کلامی و غیرکلامی، مستقیم و غیرمستقیم، عینی و نمادین بین دو یا تعداد بیشتری از افراد دارد که از عاملیت فردی مشتق شده است و شکل‌دهنده ساختار اجتماعی است (Wu et al, 2018, 78). همچنین از آنجایی که تحقیقات پیشین، بیانگر شکل‌گیری حد مناسبی از تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی ایران می‌باشد، این فضاها به عنوان بستر مکانی پژوهش، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این زمینه، خانه‌های تاریخی به آن دسته از خانه‌هایی گفته می‌شود که تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی ساخته شده‌اند و هم‌اکنون تعدادی از آن‌ها در بافت‌های تاریخی باقی مانده‌اند. این مجموعه خانه‌ها، بناهایی هستند که در حال حاضر، همراه با آنچه از بناها، معبرها و فضاهای گذشته باقی مانده‌اند، بافت تاریخی را شکل می‌دهند (حائری، ۱۳۸۸، ۱۷) (لازم به ذکر است که همین تعریف، ملاک انتخاب نمونه‌های موردی در این پژوهش بوده‌اند). ضمن آنکه در شهر اصفهان نیز چند صد خانه شاخص تاریخی وجود دارد که به‌طور قطع، عمده آن‌ها مربوط به بعد از دوره صفوی می‌باشند. این خانه‌ها، بر اساس

متغیرهای اصلی و نظریه‌ای است که مسئول موارد استخراج شده از داده‌هاست؛ بنابراین باید گذاشت تا نظریه، خود به خود پدیدار گردد (Glaser & Strauss, 1967, 43)

^۲ در این پژوهش، عمده خانه‌های انتخابی، از طریق میراث فرهنگی معرفی و تایید شده‌اند (حتی در خصوص نمونه‌هایی که به صورت گلوله برفی معرفی می‌شدند نیز بحث تاریخی بودن، مدنظر قرار می‌گرفت). همچنین قابل ذکر است که عمده این خانه‌ها متعلق به دوران قاجار می‌باشند و تلاش شده تا از میان خانه‌هایی انتخاب شوند که در گذر زمان، شاهد تغییرات شگرف و تاثیرگذاری در کالبد خود نبوده‌اند.

³ Fukuyama

1 Classical Grounded Theory

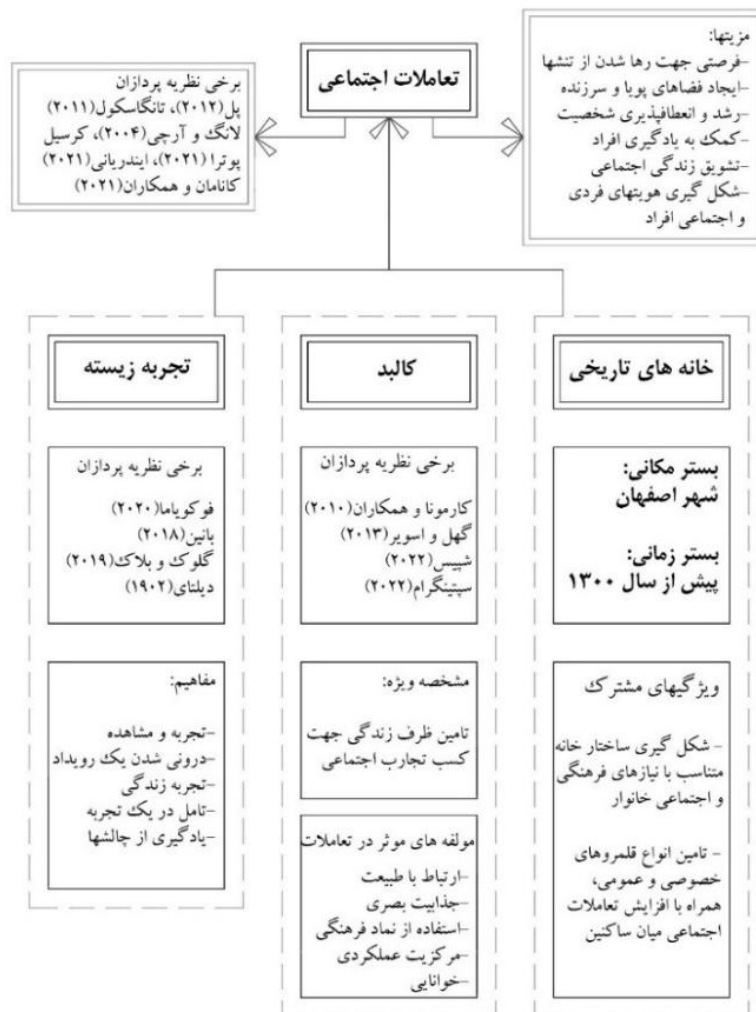
«گراندد تئوری کلاسیک به عنوان روش تحقیق، یک شیوه کلی برای تحلیل مقایسه‌ای داده‌های کیفی است که از طریق مشخص سازی همپوشانی‌ها، فرمول‌بندی مرحله‌ای، آزمون، طراحی مجدد و تلفیق مکرر گزاره‌ها انجام می‌شود تا اینکه نهایتاً یک نظریه حاصل شود؛ به عبارت دیگر، محقق با بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی که در طی تحقیق جمع‌آوری نموده است، متغیرها و مفاهیم اصلی موجود در داده‌ها و نیز ارتباط میان این متغیرها را کشف و به صورت یک نظریه نظام‌دار و قابل فهم ارائه می‌کند. این نظریه در صدد است تا داستان اصلی را که در داده‌های تحقیق و موقعیت تحت بررسی می‌گذرد توضیح دهد. هدف آن نیست که نظریه‌ای تحمیلی بر داده‌ها سوار شود، بلکه هدف، کشف

می‌دانند (Gehl & Svarre, 2013, 51 & carmona et al., 2010, 17).

همچنین از آنجایی که در این پژوهش از تجربه زیسته افراد، جهت بررسی دلایل ایجاد و ارتقای تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی بهره گرفته شد، تجربه زیسته را می‌توان به معنای زندگی کردن و زیستن دانست؛ اما نه زیستن در معنای زیست‌شناختی، بلکه «رویداد تجربه‌شده و یا رویدادی که یک نفر، به نحوی تأثیرگذار و خاص تجربه کرده باشد». در این راستا ديلتای^۱ معتقد است، نوعی از تجربه وجود دارد که «تجربه زندگی» به شمار می‌آید و از دل زندگی و حیات هر فرد حاصل می‌شود. او چنین تجربه‌ای را «تجربه زیسته» نام می‌نهد (فوکویاما، ۱۴۰۰، ۱۴۳).

نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انسان، به‌عنوان کاربر فضا و در ارتباط با بستر طبیعی، بناشده‌اند (قاسمی سیجانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۴).

همچنین از آنجا که به نظر می‌رسد عمده‌ترین نقش را در زمینه ایجاد تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی، کالبد این خانه‌ها بر عهده داشته باشند، لذا بررسی این حوزه می‌تواند نتایج مناسبی به همراه داشته باشد. کالبد را نیز می‌توان ظرفی برای زندگی تعریف کرد که تعاملات اجتماعی در آن شکل می‌گیرد (Carmona et al., 2010, 73). از نظر رامیار (۱۳۹۱، ۴۵) نیز کالبد، ظرف سازنده فضا و متشکل از عناصر مصنوع است. در این راستا برخی محققین، توجه به بحث فضای کالبدی را برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و تأمین فرصت‌های لازم برای کسب تجارب اجتماعی ضروری



¹ Dilthey

نمودار ۱. چارچوب نظری پژوهش

مهیا می‌سازد؛ به عبارت دیگر کالبد فضا، شکل‌گیری روابط جمعی را تسهیل نموده و سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می‌آورد (Wineman, 1986, 28). الکساندر و همکاران (۱۹۶۸) و هال^۱ (۱۹۸۲) نیز بر اهمیت شناخت و معرفی کالبد فضا، به عنوان مؤلفه اصلی در ایجاد تعاملات اجتماعی و ارتقای اجتماع‌پذیری فضا تأکید کرده‌اند. در این راستا، شپیس^۲ (۲۰۲۲)، نیز نقش معماران را در شکل‌گیری کالبد بنا مؤثر می‌داند و معتقد است که این امر باید همراه با یک شناخت دقیقی از شرایط اتفاق بیفتد. همچنین سپتانیانگرم و همکاران^۳ (۲۰۲۲)، نقش کالبد را از این جهت برجسته می‌دانند که باعث درک بهتر فضا می‌شود. آن‌ها کالبد را عامل اصلی در درک فضایی می‌دانند که به افراد کمک می‌کند تا به جنبه‌های حسی فضای داخلی، آگاهی پیدا کنند و کیفیت تجارب عاطفی خود را بهبود ببخشند. ضمن آنکه معتقد هستند، کالبد، به غنی‌سازی تجربه فضایی کمک می‌کند. در این راستا، آرچی^۴ (۱۹۹۹) نیز معتقد است، بهبود تعاملات اجتماعی با سازمان‌دهی و چیدمان مناسب فضای کالبدی، رابطه مستقیم دارد.

از نظر کربلایی حسینی و سهیلی (۱۳۹۷) نیز، فضای کالبدی، با امکانات و نظام سازمانی مناسب، الگوهای خاص فعلیتی را تقویت کرده و منجر به تسهیل در شکل‌گیری و برقراری روابط جمعی در فضای فعلیتی می‌شود و ویژگی‌های کالبدی چون هندسه و ابعاد فضا، روابط و سیرکولاسیون فضایی، امنیت، آسایش محیطی، نحوه دسترسی، نظم فضایی، فرم و هماهنگی عناصر، اجزای ویژگی‌های فضاهای فعلیتی هستند که خالق تجارب، ادراکات و معانی نمادین بوده و ادراکات مردم و مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

همچنین علی‌تاجر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، به موضوع ساماندهی کالبد فضاهای عمومی در جهت حضور‌پذیری و ارتقای تعاملات اجتماعی در این سکونتگاه‌ها

۴-۱- تأثیر متقابل کالبد-رفتار در معماری

در خصوص بحث پیرامون تأثیر محیط بر رفتارهای انسانی، نظریات گوناگونی مطرح شده است. به عنوان مثال، جان لنگ، به گونه‌ای تفصیلی به موضع محیط و رفتار می‌پردازد و در این راستا به چهار دسته تئوری روابط رفتار-محیط اشاره دارد که شامل رویکرد اختیارگرا، رویکرد امکان‌گرا، رویکرد احتمال‌گرا و رویکرد جبرگرا است. بدین نحو که تئوری‌های مبتنی بر رویکرد اختیارگرا، بر این اصل قرار گرفته‌اند که محیط هیچ اثری بر رفتار انسان ندارد. تئوری‌های مبتنی بر رویکرد امکان‌گرایی، محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌دانند. تئوری‌های مبتنی بر جبرگرایی که معتقدند وقتی مردم آزادانه عمل می‌کنند، درواقع تحت کنترل محیط هستند و محیط تعیین‌کننده اصلی رفتار انسان است و درنهایت، تئوری‌های مبتنی بر رویکرد احتمال‌گرا که محیط را پر از قابلیت‌هایی برای رفتار انسان دانسته که ادراک محیط و استفاده از آن را وابسته به نیازها و شایستگی‌های فردی می‌دانند (Lang, 1987, 11).

۴-۲- کالبد و نقش آن در تعاملات اجتماعی

مطالعات معماری نشان می‌دهد که بررسی رابطه میان مشخصه‌های فضای کالبدی و تعاملات جمعی، محور پژوهش‌های بسیاری بوده‌اند. این پژوهش‌ها بر این باور هستند که در هر محیط، فضای کالبدی به‌مثابه سامانه‌ای فضایی عمل می‌نماید و مشخصه‌های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی کاربران مؤثر است (Pasalar, 2003, 43). همچنین واینمن (۱۹۸۶) بیان می‌دارد که کالبد به صورت‌های مختلف، از رویدادهای رفتاری فضا پشتیبانی می‌نماید. نخست اینکه کالبد، عناصر فیزیکی و مشخصه‌های لازم برای تداوم و پایایی آسایش افراد را در محیط فراهم می‌آورد. دوم اینکه کالبد، فراهم‌کننده امکانات و سازمان‌دهی فضایی است که نظام‌ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را

³ Septianingrum et al.

⁴ Archea

¹ Hall

² Schepis

پرداخته‌اند. در این راستا، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، عنوان پژوهشی است که توسط بهزاد فر و طهماسبی (۱۳۹۲) انجام شده و در آن بر نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأکید شده است.

۵- روش کار و یافته‌های پژوهش

۵-۱- گردآوری اولیه داده‌ها

داده‌های این پژوهش، مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار است که با مشاهدات میدانی (در جهت تطبیق یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، با وضعیت موجود و درک بهتر قضایای طرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان) ترکیب می‌شود. در این راستا ابتدا با مطالعه اجمالی متون و مشاهده موردی خانه‌های تاریخی، قابلیت‌های اولیه آن‌ها درک شد و سپس با شناسایی افراد واجد شرایط از ایشان خواسته شد که به صورت کاملاً راحت و بدون هیچ گونه ملاحظاتی، راجع به این خانه‌ها صحبت کنند. در این مرحله مجموعاً با بیست و یک نفر مصاحبه شد هرچند عملاً از مصاحبه هجدهم به بعد نکته جدیدی به دست نیامد (داده‌ها به حد اشباع رسیده بودند و این قضیه، ملاک پایان مرحله گردآوری داده‌ها بود) و این هجده مصاحبه، برای تعیین عوامل مؤثر در شناسایی مقوله اصلی در نظر گرفته شدند. ترجیح پژوهشگر، انتخاب افرادی بود که سابقه بیشتری در خصوص زندگی در این فضاها داشتند (حداقل یک دوره ۲۰ ساله در نظر گرفته شد). ذهنیات و باورهای این افراد، از طریق مصاحبه‌هایی باز و به صورت حضوری مورد واکاوی قرار می‌گرفت و در خصوص افرادی که هنوز در این فضاها سکونت داشتند، سعی می‌شد مصاحبه در محل همین خانه‌های تاریخی برگزار شود؛ زیرا لازم بود همخوانی و تجانس صحبت‌های ایشان با محیط، مورد مشاهده و ارزیابی قرار گیرد. چه بسا برخی صحبت‌ها با محیط همخوانی دقیقی نداشتند. در خصوص خانه‌هایی که به هر دلیل واگذار شده بودند سعی می‌شد مصاحبه‌ها در محل سکونت جدید برگزار شود تا نقص‌های مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان در معماری معاصر درک شود. ضمن آنکه

محقق سعی می‌کرد، نسبت به ثبت یادداشت‌هایی در محل، پردازد که می‌توانست به عنوان داده‌های میدانی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین از آنجایی که در نظریه داده بنیاد کلاسیک، منع ضبط مصاحبه مورد تأکید است، بعد از اتمام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آن‌ها، محقق تلاش نمود تا ضمن بازگشت مجدد به این افراد، از باورها و اعتقادات ایشان در خصوص صحت موضوع درک شده توسط پژوهشگر، از مصاحبه‌ها، اطمینان حاصل کند (اعتبار سنجی). همچنین سعی می‌شد افراد با شرایط فرهنگی و اجتماعی و حتی سنی و جنسیتی و با میزان تحصیلات مختلف انتخاب شوند تا نتیجه پژوهش، طیف بیشتری از سلايق و تجربیات افراد را شامل شود. مصاحبه‌های نخستین، با افرادی انجام شد که توسط محققین شناخته شده بودند و یا مالکین خانه‌های تاریخی بودند که پس از چندین سال زندگی در این خانه‌ها، قصد فروش آن را داشتند. در ادامه، سایر مصاحبه‌شوندگان، به صورت هدفمند و به شیوه گلوله برفی و از طریق افراد مصاحبه‌شونده قبلی معرفی می‌شدند.

۵-۲- کدگذاری باز

پس از پایان مصاحبه‌های مرحله اول، مطالب خط به خط خوانده شد و به هر قسمت از داده‌ها (آنچه به زبان ساده و روان، توسط مصاحبه‌شوندگان، در خصوص خانه‌های تاریخی و خصوصاً در زمینه کالبد آن‌ها و ارتباط آن با تعاملات اجتماعی بیان می‌گردید)، یک برچسب اختصاص داده شد. در این میان، سی و چهار عامل، مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی شد که برای ادامه فرآیند پژوهش، مورد استناد قرار گرفت. بدیهی است که بسیاری عوامل دیگر نیز توسط افراد مورد اشاره قرار می‌گرفت ولی پس از بازنویسی مصاحبه‌ها، به نظر می‌رسید ارتباط چندانی با موضوع پژوهش ندارند، لذا از آن موارد صرف نظر گردید. این عوامل، تحت عنوان واقعه (در اصل کدهایی بودند که توسط پژوهشگر، به صورت ما به ازای معماری موارد بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان بیان می‌شدند) نامیده شدند و در اصل، ویژگی مقولات بودند (که در ادامه شکل می‌گرفتند) و پژوهشگر را به سمت دل‌نگرانی و دغدغه اصلی

شماره ۲). برخی نکات مورد اشاره در مصاحبه‌ها به شرح زیر است:

مصاحبه‌شوندگان هدایت می‌کردند و در واقع طیف گسترده‌ای از عوامل مرتبط با کالبد خانه‌های تاریخی و مؤثر بر تعاملات اجتماعی در این خانه‌ها را شامل می‌شدند (جدول

جدول ۲. برخی نکات استخراجی از نقل‌قول‌های مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نکات استخراجی از نقل‌قول‌ها (واقعه‌ها)	ردیف	نکات استخراجی از نقل‌قول‌ها (واقعه‌ها)
۱	برقراری امکان تداوم بصری میان فضایی	۶	تحت نظر و قابل کنترل بودن محیط (القای ایمنی روانی).
۲	تفکیک‌پذیری مناسب فضایی.	۷	وحدت کلی بصری فضاها.
۳	داشتن هندسه و محیط مطلوب.	۸	استفاده از نماد و نشانه‌های فرهنگی در تزئینات.
۴	ایجاد نماهای آراسته	۹	ایجاد میل طبیعت‌گرایی (فراهم کردن امکان طبیعت‌گردی)
۵	محرمیت	۱۰	توجه به جزئیات در طراحی عناصر.

مرحله، به این قضیه توجه شود که از چه کسی پرسیده شود تا در این موارد بیشتر دانسته شود. در پایان این مرحله، مفاهیمی به دست آمد که هر کدام، مجموع چند واقعه بودند که پیش از این، به مرحله اشباع رسیده بودند.

۵-۵- کدگذاری نظری

در مرحله کدگذاری نظری و در شرایطی که کلیه داده‌ها به اشباع رسیده بودند، پژوهشگر، ضمن مطالعه مجدد یادداشت‌های نظری، مرحله پایانی کدگذاری را به انجام رسانید و بدین صورت مقولات (برگرفته از مفاهیم مرحله قبل) به صورت کامل شکل گرفتند و نحوه ارتباط میان آن‌ها مشخص شد. در واقع کدهای نظری چگونگی ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر را مفهوم‌سازی کردند و این اتفاق، در زمان مرتب‌سازی و یکپارچه کردن یادداشت‌ها رخ داد. در حقیقت، اگر کدگذاری باز و انتخابی، به دسته‌بندی، طبقه‌بندی و در واقع تکه‌تکه کردن داده‌ها می‌پرداخت، در این مرحله و از طریق کدهای نظری، مفاهیم به یکدیگر ارتباط داده می‌شدند (جدول‌های شماره ۳، ۴ و ۵). در نهایت، سه دسته مقولات فرعی، شکل گرفت که کلیه مضامین مورد نظر مصاحبه‌شوندگان را در خود جای می‌داد.

۵-۳- شناسایی مقوله اصلی

در پایان مرحله کدگذاری باز و پس از مرتب‌سازی و تحلیل یافته‌ها، مقوله محوری به دست آمد. در حقیقت، نکته مشترکی که در همه مصاحبه‌ها وجود داشت و می‌توانست به عنوان مقوله محوری در خصوص موضوع پژوهش محسوب شود، عاملی تحت عنوان «قابلیت کلی محیط در پاسخ‌دهی به نیازهای جسمی و روانی انسان» بود که به عنوان عامل کلیدی در ارتقای تعاملات اجتماعی خانه‌های تاریخی ایفای نقش می‌کرد.

۵-۴- کدگذاری انتخابی

پس از آنکه مقوله اصلی انتخاب شد، نیاز بود سایر مفاهیمی که می‌توانستند ویژگی آن مقوله اصلی باشند، یا با آن مرتبط باشند، شناسایی شوند. در این مرحله، پس از انجام مصاحبه‌های بخش دوم (که به صورت نیمه ساختاریافته و پس از سنجش سؤالات از طریق اساتید و محققین و بهره‌گیری از ضریب لاوشه برای تعیین روایی محتوایی پژوهش انجام شد)، کدگذاری مجددی بر روی یافته‌های جدید صورت گرفت که هدف آن، صرفاً اشباع مفاهیم مرتبط با مقوله محوری بود. در حقیقت، لازم بود در این

جدول ۳. دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با مقوله بعد قابلیت بصری

مقوله مورد نظر	مفاهیم	واقعه
بعد قابلیت بصری	ایجاد جذابیت	۱- ایجاد میل طبیعت‌گرایی (فراهم کردن امکان طبیعت‌گردی) ۲- توجه به جزئیات در طراحی عناصر
	شایستگی سطوح	۱- ایجاد نماهای آراسته ۲- ایجاد ارتباط منطقی میان عناصر کالبدی

جدول ۴. دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با مقوله بعد قابلیت ادراکی - معنایی

مقوله مورد نظر	مفاهیم	واقعه
بعد قابلیت ادراکی - معنایی	ایجاد حس هویت	۱- وحدت کلی بصری فضاها ۲- ایجاد تمایز و تشخیص فضایی و بصری ۳- استفاده از نماد و نشانه‌های فرهنگی در تزئینات.
	القای حس ایمنی	۱- تحت نظر و قابل کنترل بودن محیط (القای ایمنی روانی). ۲- ایجاد آرامش جهت حضور در فضاهای جمعی
	اولویت‌بخشی به مختصات جسمی انسانی در طراحی فضا	۱- توجه به بحث ازدحام در فضاها (تناسبات میزان مساحت فضا با تعداد افراد) ۲- توجه به مقیاس انسانی
	فراهم آوردن امکان درک آسایش محیطی	۱- اقلیم‌گرایی ۲- فن‌شناسی
	خوانایی	۱- روانی و سیالیت ۲- وضوح فضایی (شفافیت)
	توجه به اصول و ارزش‌های فرهنگی	۱- محرمیت ۲- سادگی

جدول ۵. دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با مقوله بعد قابلیت فعالیت

مقوله مورد نظر	مفاهیم	واقعه
بعد قابلیت فعالیت	دارا بودن فضاهای جمعی متنوع و کارآمد	۱- قابلیت بالای حیاط در برگزاری تجمعات ۲- داشتن هندسه و محیط مطلوب
	فراهم کردن امکان تجربه متفاوت فضایی	۱- ایجاد محیط روح‌پرور و سرزنده ۲- برقراری امکان تداوم بصری میان فضایی ۳- برقراری امکان کسب تجارب معنادار (مانایی تجربه)
	فاصله عملکردی	۱- سهولت ارتباط فضاهای جمعی با سایر نقاط فضایی ۲- هم‌جواری‌های مناسب فضایی
	انتظام و انسجام فضایی	۱- تدبیر در چیدمان مناسب کلی فضاها ۲- انضباط در جانمایی ریز فضاها
	تعریف مناسب روابط فضایی	۱- توجه به سلسله‌مراتب فضایی ۲- فراهم آوردن امکان تفکیک مناسب فضایی ۳- تعیین و تحدید مرز در فضاهای جمعی
	انعطاف‌پذیری	۱- تنوع‌پذیری ۲- تغییرپذیری ۳- تطبیق‌پذیری
	مهیاکردن شرایط رسیدن به خلوت	۱- فراهم کردن امکان خودآگاهی (امکان خودشناسی) ۲- قلمروپایی (امکان کنترل قلمرو)

۵-۶- ارائه نظریه

پس از جمع‌بندی یافته‌ها، می‌توان اذعان داشت که کالبد خانه‌های تاریخی، از طریق عوامل متعدد و متفاوتی در ارتقای تعاملات اجتماعی در این خانه‌ها مؤثر است. البته، میزان تأثیر هر یک از این عوامل نیز به یک‌میزان نبوده و بعضی عوامل، تأثیر بیشتری در این خصوص دارند. باین‌حال، آنچه عامل مشترک، در کلیه یافته‌ها است، وجود عاملی تحت عنوان «قابلیت کلی محیط در پاسخ‌دهی به نیازهای جسمی و روانی انسان» است که به‌عنوان عامل کلیدی و عنصر محوری مورد تأکید قرار دارد و ردپای آن در کلیه عوامل دیگر قابل مشاهده است. در حقیقت، این عامل، به‌عنوان یک عامل ثقلی بود و سایر عوامل در حول آن شکل می‌گیرند و نظریه این پژوهش، ثبات و تعادل خود را از این عامل دارد.

همچنین بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، عوامل متعدد و مؤثر در این زمینه را در یک فرم کلی، می‌توان به سه دسته بعد قابلیت فعالیتی، بعد قابلیت بصری و بعد قابلیت ادراکی-معنایی تقسیم‌بندی نمود که البته از این میان و پس از یک بررسی اجمالی، می‌توان اذعان داشت که عوامل دسته قابلیت فعالیتی، بیشتر مورد توجه مردم قرار داشته‌اند. خصوصاً عواملی نظیر قابلیت بالای حیاط در برگزاری تجمعات، داشتن هندسه و محیط مطلوب و تطبیق‌پذیری که بیشترین میزان آراء را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از این دسته نیز، عوامل گروه بعد قابلیت ادراکی-معنایی، بیشترین میزان استقبال را از طرف مصاحبه‌شوندگان داشته‌اند. ضمن آنکه عوامل دسته بعد قابلیت بصری، تعداد کمتری از عوامل مورد نظر مردم را به خود اختصاص داده‌اند. لذا توجه به مسائل بعد قابلیت فعالیتی، تأثیر‌گذاری بیشتری بر ارتقای تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی شهر اصفهان داشته‌اند.

۵-۷- اعتبارسنجی نظریه

در خصوص این امر، محقق، بر مبنای دستور کار نظریه داده بنیاد کلاسیک و در طی مراحل اجرایی، سؤالات و نحوه انجام مصاحبه‌ها را با اساتید دانشگاه مطرح کرد و نظرات آن‌ها، باعث عمق‌بخشی مؤثر، در نحوه گردآوری داده‌ها و مقایسه دقیق‌تر مفاهیم شد. در انتها و در هنگام طرح نظریه نهایی نیز، این قضیه با مشورت اساتید دانشگاهی، مطرح شد تا به صحت نظریه استخراجی پی‌برده شود. همچنین تجربه مشارکت کنندگان، پیرامون مدل نظری پژوهش مورد کنکاش قرار گرفت و در نهایت مدل نهایی مطرح گردید. همه شواهد نهایتاً حاکی از صحت و کار کردن مدل و تناسب آن با دنیای واقعی داشت.

۵-۸- پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش

۵-۸-۱- پاسخ سؤال اول

در مسیر پاسخگویی به سؤالات پژوهش لازم بود تا شاخص‌های برآمده از مصاحبه‌ها مشخص شوند. این شاخص‌ها نیز در مراتب بالاتر، مقوله اصلی را شکل می‌دادند. لذا با استناد به نتایج به‌دست‌آمده مطابق با (جدول شماره ۶) پاسخ سؤال اول پژوهش، در خصوص عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی اصفهان، بر مبنای نظر مصاحبه‌شوندگان، مشخص گردید.

۵-۸-۲- پاسخ سؤال دوم

در پاسخ به این سؤال که به دنبال یافتن مهم‌ترین عوامل کالبدی مورد اشاره مؤثر، بر ارتقای تعاملات اجتماعی در خانه‌های تاریخی اصفهان می‌باشد، می‌توان بر اساس میزان تأکید مصاحبه‌شوندگان بر موارد مختلف، به عوامل زیر مطابق با (جدول شماره ۷) اشاره کرد.

جدول ۶. عوامل مورد اشاره توسط مصاحبه‌شوندگان (وقایع)

ردیف	واقعه	ردیف	واقعه
۱	ایجاد میل طبیعت‌گرایی (فراهم کردن امکان طبیعت‌گردی)	۱۸	قابلیت بالای حیاط در برگزاری تجمعات
۲	توجه به جزئیات در طراحی عناصر	۱۹	داشتن هندسه و محیط مطلوب
۳	ایجاد نماهای آراسته	۲۰	ایجاد محیط روح‌پرور و سرزنده
۴	ایجاد ارتباط منطقی میان عناصر کالبدی	۲۱	امکان تداوم بصری میان فضایی
۵	وحدت کلی بصری فضاها	۲۲	برقراری امکان کسب تجارب معنادار (مانایی تجربه)
۶	ایجاد تمایز و تشخیص فضایی و بصری	۲۳	سهولت ارتباط فضاهای جمعی با سایر نقاط فضایی
۷	تحت نظر و قابل کنترل بودن محیط (القای ایمنی روانی)	۲۴	هم‌جواری‌های مناسب فضایی
۸	ایجاد آرامش جهت حضور در فضاهای جمعی	۲۵	تدبیر در چیدمان مناسب کلی فضاها
۹	توجه به بحث ازدحام در فضاها (تناسبات میزان مساحت فضا با تعداد افراد)	۲۶	انضباط در جانمایی ریز فضاها
۱۰	توجه به مقیاس انسانی	۲۷	توجه به سلسله‌مراتب فضایی
۱۱	اقلیم‌گرایی	۲۸	فراهم آوردن امکان تفکیک مناسب فضایی
۱۲	فن‌شناسی	۲۹	تعیین و تحدید مرز در فضاهای جمعی
۱۳	روانی و سیالیت	۳۰	تنوع‌پذیری
۱۴	وضوح فضایی (شفافیت)	۳۱	تغییرپذیری
۱۵	محرمیت	۳۲	تطبیق‌پذیری
۱۶	سادگی	۳۳	فراهم کردن امکان خودآگاهی (امکان خودشناسی)
۱۷	قلمروپایی (امکان کنترل قلمرو)	۳۴	استفاده از نماد و نشانه‌های فرهنگی در تزئینات

جدول ۷. شاخص‌ترین عوامل مورد اشاره توسط مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نکته مورد اشاره	مقوله مورد نظر	رتبه	دفعات مورد اشاره
۱	قابلیت بالای حیاط در برگزاری تجمعات	قابلیت فعالیتی	۱	۱۸
۲	ایجاد میل طبیعت‌گرایی (فراهم کردن امکان طبیعت‌گردی)	قابلیت بصری	۲	۱۷
۳	محرمیت	قابلیت ادراکی - معنایی	۲	۱۷
۴	داشتن هندسه و محیط مطلوب	قابلیت فعالیتی	۳	۱۷
۵	ایجاد نماهای آراسته	قابلیت بصری	۳	۱۶
۶	استفاده از نماد و نشانه‌های فرهنگی در تزئینات	قابلیت ادراکی - معنایی	۳	۱۶
۷	تطبیق‌پذیری	قابلیت فعالیتی	۴	۱۵
۸	اقلیم‌گرایی	قابلیت ادراکی - معنایی	۴	۱۵
۹	توجه به جزئیات در طراحی عناصر	قابلیت بصری	۴	۱۵
۱۰	توجه به مقیاس انسانی	قابلیت ادراکی - معنایی	۴	۱۵

۵-۹- محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر، نیازمند توجه به دودسته عمده از محدودیت‌ها شامل محدودیت‌های مکانی و محدودیت‌های اجرایی می‌باشد. در بخش محدودیت‌های مکانی لازم به ذکر است که این پژوهش به‌طور خاص، در محدوده شهر اصفهان

به‌عنوان محدوده مکانی انجام شده و به‌طور صد در صد نمی‌تواند پوشش‌دهنده کلیه مواردی باشد که خارج از این بستر مکانی، در ارتباط با موضوع رخ می‌دهد.

در بخش محدودیت‌های اجرایی نیز می‌توان، به جدید بودن نسبی روش پژوهش انتخابی، در حوزه مبانی نظری معماری اشاره کرد. اجرای این روش بعضاً با معضلاتی همراه است. از جمله اینکه، در مرحله گردآوری داده‌ها، گاهی یک

۵-۱۰- تطابق یافته‌های پژوهش با مطالعات پیشینه پژوهشی

از آنجایی که در پژوهش داده‌بنیاد، اصل بر عدم مرور ادبیات موجود در زمینه موضوع پژوهش تا زمان به دست آمدن نتایج نهایی تحقیق (در جهت عدم تأثیرپذیری ذهن محقق از نتایج پیشین) است. در این بخش، یافته‌های پژوهش حاضر، با یافته‌های پیشین در خصوص موضوع مطابق (جدول شماره ۸)، مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

طرح کلی برای جلسات مصاحبه در نظر گرفته نمی‌شود و بر اساس جریان موجود در مکان، ممکن است مصاحبه از مسیر عادی خود خارج شود. ضمن آنکه برگزاری جلسات مصاحبه، با سؤالات باز و بدون ساختار، تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها را با دشواری یا صرف وقت زیادی مواجه می‌سازد. در این راستا پژوهشگر برای کسب داده‌های لازم، در فرایند مصاحبه حضوری با حساسیت بیشتری برخورد کرد و با مصاحبه از تعداد افراد بیشتری، برای رسیدن به اطلاعات جامع و بی‌طرفانه در زمینه پژوهش اقدام نمود

جدول ۸. مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات اجتماعی موردنظر پژوهشگران

ردیف	عامل مورد اشاره	پژوهشگر
۱	تجربه فضایی، حس مکان، دل‌بستگی به مکان	(اولدنبرگ ^۱ ، ۱۹۹۹)، (پل، ۲۰۰۲)، (عابد و الجوخدار، ۲۰۲۲)، (راپاپورت، ۱۹۶۹)
۲	احساس تعلق، احساس امنیت، دارا بودن نماد و نشانه‌های فرهنگی	(راپاپورت، ۱۹۶۹)، (بنت و همکاران، ۲۰۱۲)
۳	ایجاد حس هویت، ایجاد حس آشنایی	(راپاپورت، ۱۹۶۹)، (لاسون، ۲۰۰۱)
۴	تداعی‌کنندگی، خوانایی، ارتباط با طبیعت و جذابیت بصری	(پوترا و همکاران، ۲۰۲۱)، (کرسیل، ۲۰۲۱)، (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۲)
۵	مرکزیت عملکردی	(پل، ۲۰۰۲)، (بارکر ^۴ ، ۱۹۶۸)
۶	فضاهای جمعی مناسب	(باسلو و استرانگ ^۵ ، ۲۰۰۲)
۷	کارایی، فرصت خلق و پرورش عملکردها	(پل، ۲۰۰۲)، (لاوتن ^۶ ، ۱۹۷۷)
۸	استفاده از فضاهای مشترک	(عابد و الجوخدار، ۲۰۲۲)

بر تعاملات اجتماعی، توسط مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره قرار گرفتند که جزء دستاوردهای پژوهش محسوب می‌گردند.

۶- نتیجه‌گیری

آنچه از مجموع مطالب بیان‌شده در این پژوهش، می‌توان بیان کرد، آن است که عوامل کالبدی خانه‌های تاریخی اصفهان، از جنبه‌های مختلفی بر تعاملات اجتماعی این خانه‌ها مؤثرند که در این پژوهش، توسط مصاحبه‌شوندگان، مورد تأیید قرار گرفتند. در حقیقت، پژوهش اخیر، به یکی از مباحث مهم کیفی در حوزه معماری، یعنی تعامل افراد در محیط خانه،

در این راستا، علاوه بر بسیاری از موارد اشاره‌شده فوق، مفاهیمی همچون وحدت کلی بصری فضاها، ایجاد تمایز و تشخیص فضایی و بصری، ایجاد آرامش جهت حضور در فضاهای جمعی، اقلیم‌گرایی، روانی و سیالیت، ایجاد نماهای آراسته، ایجاد ارتباط منطقی میان عناصر کالبدی، توجه به جزئیات در طراحی عناصر، همجواری‌های مناسب فضایی، انضباط در جانمایی ریز فضاها، توجه به سلسله‌مراتب فضایی، فراهم آوردن امکان تفکیک مناسب فضایی، تعیین و تحدید مرز در فضاهای جمعی و قلمروپایی (امکان کنترل قلمرو)، عواملی هستند که در این پژوهش، در خصوص عوامل مؤثر

¹ Oldenburg

² Bennet et al.

³ Lawson

⁴ Barker

⁵ Basolo & Strong

⁶ Lawton

بررسی نظریات محققان پیشین، به آن‌ها اشاره نشده است و در نتیجه رویکرد این پژوهش، در به‌کارگیری روش داده بنیاد، جهت انجام پژوهش، همچنین، رفتن به سراغ افرادی که تجربه زیسته در این فضاها را دارند، رخ داده است. در حقیقت روش فوق، این توانایی را دارد که به‌مثابه رابطی بین گذشته و آینده، نقش اساسی ایفا کند و قادر است به‌صورت واقعی، شرایط اصلی پژوهش را که در حقیقت، شرایط واقعی جامعه انسانی می‌باشند را تشریح کند.

توجه داشت و در این راستا، دسته‌بندی‌های متفاوتی از عواملی که در بروز این قضیه مؤثرند شکل گرفت. هرچند در این خصوص، میزان تأثیر همه این عوامل، به یک‌میزان، از سمت مصاحبه‌شوندگان برآورد نشده است، ولی در یک دسته‌بندی کلی از عوامل مورد اشاره، مشخص شد بیشتر عواملی که از طرف مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار می‌گرفتند، در دسته عوامل بعد قابلیت فعالیتی فضا بودند (نمودار ۲). نکته قابل توجه دیگر، معرفی عواملی است که در



نمودار ۲. نمودار نمایشگر عامل محوری پژوهش و مقولات و مفاهیم مرتبط با آن

طراحی الگوهای مناسب معماری را بیش‌ازپیش آشکار می‌کند.

لذا با توجه به موارد بیان‌شده، شناخت عوامل مؤثر در ارتقای تعاملات اجتماعی و شناسایی درست و اصولی چالش‌ها و قابلیت‌های پیرامون این موضوع، جهت جلوگیری از ادامه پیامدهای ناشی از وضع موجود، ضرورت بازنگری در شیوه‌های ساخت‌وساز و ارائه راهکارهای اصولی در زمینه

۷- منابع پژوهش

- علیتاجر، سعید، سجاد زاده، حسن، سعادت و قار، پوریا، و شهبازی، مهرداد. (۱۳۹۵). نقش عوامل کالبدی در اجتماع‌پذیری سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محله‌های حصار امام خمینی و دیزج همدان). *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، (۲۴)، ۶۱-۸۲.
- <https://ensani.ir/file/download/article/20160910152149-10004-156.pdf>
- فوکویاما، فرانسیس، پانتام، رابرت، بوردیو، پیر، پورتس، آلهاندرو، تاجبخش، کیان، و کلمن، جیمز. (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه* (ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز). تهران: انتشارات شیرازه.
- قاسمی سیچانی، مریم، و پدرام، بهنام، و حریری، آزاده. (۱۳۹۵). تحلیل خانه تاریخی تک بادگیر باجغلی بر مبنای سازمان‌دهی فضایی، اثر، ۳۷(۷۲)، ۷۷-۹۲.
- <http://journal.richt.ir/athar/article-1-504-fa.html>
- قانلی، عبدالکریم. (۱۳۹۳). قابلیت فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی. *فصلنامه علمی - پژوهشی*، ۶۷(۶۷)، ۲۳-۳۲.
- <https://www.sid.ir/paper/514365/fa>
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل، و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۳۹۷). بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های فرهنگی دزفول و نیاوران. *آرمان‌شهر*، ۲۵، ۳۷۳-۳۶۱.
- https://www.armanshahrjournal.com/article_85140.html
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری، *نقش علوم رفتاری در طراحی محیط* (ترجمه علیرضا عینی فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ارژمند، محمود، و خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی، *مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، ۲(۷)، ۲۷-۳۸.
- <https://www.sid.ir/paper/177360/fa>
- بمانیان، محمدرضا، و امینی، معصومه. (۱۳۹۶). *معماری اجتماعی خانه ایرانی*، تهران: انتشارات اول و آخر.
- بهزاد فر، مصطفی، و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی. *نشریه باغ نظر*، ۱۰(۲۵)، ۱۷-۲۸.
- https://www.bagh-sj.com/article_2928.html
- پور دیهیمی، شهرام. (۱۳۸۲). فضای باز مسکونی. *دو فصلنامه علمی پژوهشی معماری-شهرسازی*، ۱۳(۳۶)، ۵۱-۳۶.
- https://soffeh.sbu.ac.ir/article_99880.html
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *خانه فرهنگ طبیعت، بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه*، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۴). *معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی* (ترجمه فرح حبیب). تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- رامیار، رضا. (۱۳۹۱). *درآمدی بر طراحی محوطه مجموعه‌های مسکونی*. تهران: سمت.
- شریفیان، سید علی، مرادی نسب، حسین، قلمبر دزفولی، مریم، و ملاصالحی، ودیعه. (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری فضاهای اجتماع‌پذیر در محیط‌های آموزشی با استفاده از روش تحلیل عاملی (نمونه موردی: فضاهای دانشگاهی). *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۳(۷)، ۲۰۷-۲۲۲.
- <https://doi.org/10.30495/jest.2021.53276.5090>

- Barker, R.G. (1968), *Ecological psychology: concepts and methods for studying the environment of human behavior*, Stanford: Stanford university press.
- Basolo, V. & Strong, D. (2002). Understanding the neighborhood: from residents' perceptions and needs to action, *housing policy debate*, 13(1), 83-105.
<https://doi.org/10.1080/10511482.2002.9521436>
- Bennet, S., Yiannakoulis, N., Williams, A., Kitchen, P. (2012). Playground Accessibility and Neighborhood Social Interaction among Parents. *Journal of Social Indicators Research*, 108 (2), 199-213.
<https://www.jstor.org/stable/23260307>
- Carmona, M., Heath, T., & Taner, Oc. (2012). *Public Places Urban Spaces, The Dimensions of Urban Design*. Oxford: Architectural Press.
- Cersil, A. (2021). *Social sustainability and co-housing: A reading over sedad hakki eldems studies on trading Turkish house typologies*. Master of architecture Thesis, Department of architecture, Middle east technical university.
- Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to study public life*. Island press center for resource economics.
<http://dx.doi.org/10.5822/978-1-61091-525-0>
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory: strategies for qualitative researches*. Chicago: Aldine Publishing Company.
- Hall, E. (1982). *The Hidden Dimension*, New York: Doubleday.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *the social logic of space*, London: Cambridge university press.
- Lang, J. (1987). *Creating architecture theory, the role of behavioral science in environmental design*. New York: van nostrand, reinhold.
- Lawson, B. (2001). *The language of space*. US: Routledge.
- Lawton, M. (1977). An ecological theory of aging applied to elderly housing, *ژنرال، جان*. (۱۳۸۸). *طراحی شهری؛ گونه شناسی طرح‌ها و رویه‌ها* (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه نژاد، مهدی و باقری، حسین. (۱۳۹۳). *اجتماع‌پذیری در حیاط خانه ایرانی (شناخت ویژگی‌های تقویت‌کننده حضور در حیاط، از طریق تحلیل سکانس‌های سینمایی)، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۷، ۴۵-۵۶*.
- https://www.isau.ir/article_61982.html
- Abed, A. & AL-jokhadar, A. (2022). Common spaces as a tool for social sustainability. *housing and the built environment*, 37, 399-421.
<https://doi.org/10.1080/00038628.2019.1646631>
- Alexander, Ch., Sara, I. & Murray, S. (1968). *A pattern language which generates multi-service centers*, Berkeley: center for environmental structure.
- Almansoor, N. (2021). *Social sustainability in residential urban environments: single-family neighbourhoods in basra*, Iraq: University of strathclyde.
- Archea, J. (1999). The Place of Architectural Factors in Behavioral Theories of Privacy. *Journal of the Society for the Psychological Study of Social Issues*, 33 (3), 116-137.
<https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1977.tb01886.x>
- Askarizad, R. & Safari, H. (2020). The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: the pedestrian zone of rasht municipality square, iran). *Cities*, 101, 102687.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102687>
- Azevedo V., Martins C., Maia A. (-2020). Life time Experience Scale: Development and validation in community samples. *Journal of Revista Psicologia*, 34 (1), 174-194.
<https://doi.org/10.17575/psicologia.v34i1.1456>

<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127264>

- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*, Englewood cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Schepis, F. (2022). Take care. The body of architecture, the city and the landscape. *International symposium: new metropolitan perspective*. Springer.

https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-031-06825-6_14

- Septianingrum, L., Irmawati, E., & Mutia F. (2022). Representation and meaning of space according to metaphysical architecture. *ARJ. Journal of Architectural Research*, 53, 211-228.

<https://doi.org/10.22225/arj.2.1.2022.30-34>

- Sennett, R. (1974). *The fall of public man*. New York: Norton & company.
- Soltani, S., Gu, N., Ochoa, J., & Sivam, A. (2022). The role of spatial configuration in moderation the relationship between social sustainability and urban density. *Cities*, 121, 103519.

<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103519>

- Wineman, J. D. (1986). *Behavioral Issues in Office Design*. New York: Van Nostrand Reinhold Company.
- Wu, X., Hua, R., Yang, Z., & Yin, J. (2018). The influence of intention and outcome on evaluations of social interaction. *Acta Psychologica*, (182), 75-81.

<https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2017.11.010>

- Zhang, Y. & Chen, G. & He, Y. & Jiang, X. & Xue, C. (2022). Social interaction in public spaces and well-being among elderly woman: towards age-friendly urban environments. *Environmental research and public health*, 19 (2), 746.

<https://doi.org/10.3390/ijerph19020746>

- Zinken, J., & Kaiser, J. (2020). Formulating other minds in social interaction: Accountability and course of action. *Language in society*, 51 (2), 185-210.

<https://doi.org/10.1017/S0047404520000688>

Journal of architecture education, 1(31), 147-161.

<https://doi.org/10.1080/10464883.1977.11102585>

- Li, Q., Wu C. (2022). Social interaction, lifestyle and depressive status: mediators in the longitudinal relationship between cognitive function and instrumental activities of daily living disability among older adults. *International Journal of environment research and public health*, 19, 35-47.

<https://doi.org/10.3390/ijerph19074235>

- Mondion, J. J. (2022). Spatialising the collective: the spatial practice of two housing project in berlin. *Journal of Social & culture geography*, 1-20.

<https://doi.org/10.1080/14649365.2022.2115118>

- Oldenburg, R. (1999). *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Community Centers, Beauty Parlors, General Stores, Bars, Hangouts, and how they Get You Through the Day*, New York: Paragon. House.

- Pasalar, C. (2003). The effects of spatial layout on students' interactions in middle schools: Multiple case analysis, Ph.D. thesis, Faculty of North Carolina State University.

- Peng, Y., Peng, Z., Feng, T., Zhong, C., & Wang, W. (2021). Assessing comfort in urban public spaces: A structural equation model involving environmental attitude and perception. *Environmental research and public health*, 18 (3), 1287.

<https://doi.org/10.3390/ijerph18031287>

- Pol, E. (2002). The theoretical background of the city-identity-sustainability network. *Environment and behavior*, 34 (1), 8-25.

<https://doi.org/10.1177/0013916502034001002>

- Putra, I., Astel Burt, T., Cliff, D., Vella, S., & Feng, X. (2021). Do physical activity, social interaction, and mental health mediate the association between green space quality and child prosocial behavior. *Journal of Urban forestry & urban greening*, 64, 102-117.

نحوه ارجاع به مقاله:

ناظری نائینی، پژمان، قاسمی سیچانی، مریم، افشاری، محسن، و کشتی آرای، نرگس. (۱۴۰۲). بازشناسی نقش کالبد خانه‌های تاریخی اصفهان در ارتقای تعاملات اجتماعی ساکنان، با تکیه بر تجربه زیسته افراد. توسعه پایدار شهری، ۴(۱۳)، ۲۳-۴۱.



DOI: 10.22034/USD.2023.709608



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.13.2.1

URL: https://usdjournal.daneshpajooan.ac.ir/article_709608.html



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Received: 15/08/2023

Accepted: 19/09/2023

Recognizing the Role of Historical Houses of Isfahan in Improving the Social Interactions of Residents, Relying on the Lived Experience of People¹

Pezhman Nazeri Naeini², Maryam Ghasemi Sichani*³, Mohsen Afshari⁴, Narges Keshti Ara⁵

Abstract: Social convergence and creating suitable conditions for its creation is one of the necessities of today's residential architecture. Because it seems that most of the residential buildings of contemporary architecture are not able to create privileged positions to establish suitable social interactions for their residents, and as a result, the result of such an event is the isolation and distance of residents from each other and neglecting the benefits of social architecture. In other words, even though one of the main tasks of houses is to help promote social interactions between the residents of the house, this task has its special feeling in the houses and biological complexes of today's cities (influenced by the rules of contemporary urban planning). have lost Therefore, according to the existing findings, historical houses seem to provide these conditions in a suitable way, the question of the present research is that the reasons for the success of historical houses in this field What is? And what are the effective factors on promoting social interactions in historical houses? Therefore, this research seeks to investigate a number of historical houses in Isfahan city, using the classic foundation data research method and using the opinions of people who have a history of living in these houses, the factors affecting the ability to identify the social interactions in these houses. The results of the research show that, from the point of view of the interviewees, several factors are effective in promoting social interactions in historical houses, all of which have one point in common, and that is "creating physical and mental comfort and peace" for the residents. In addition, in a general classification, these factors can be divided into four categories: physical, functional, cultural-social, sensory-perceptual. Although all these factors have not been emphasized to the same extent from the point of view of the interviewees.

Keywords: Social Interactions, Urban Physic, Isfahan Historical Houses, Lived Experience.

¹ This article is extracted from Architecture Ph.D. dissertation of the first author entitled "Identifying factors affecting social interactions in historical houses of Isfahan based on people's lived experience", under the guidance of second and third authors and advisory of fourth author, at Islamic Azad University branch of Khorasgan.

² PhD Student, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

³ Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran; Corresponding Author, [Email: mghasemi@khuisf.ac.ir](mailto:mghasemi@khuisf.ac.ir)

⁴ Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

⁵ Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences, Psychology & Foreign Language, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.